

مست



آندره
فیلیپ

آندره فیلیپ از
سوسیالیستهای برجسته فرانسه
است. او در گابینه سوسیالیستها
پست وزارت دارایی را
بعهدداشت *

نظریات وی از لحاظ
تئوریک همیشه مورد بحث و
گفتگو است. در اشعاری که
در حزب سوسیالیست فرانسه
اتفاق افتاد آندره فیلیپ
از سران برجسته منشعبین
بود * نوشته ای که در زیر
میخوانید قسمتی از دروسی
است که آندره فیلیپ در
دانشکده حقوق پاریس تحت
عنوان کشور های کم رشد
تدریس کرده است *

هند شبه قاره ایست بزرگ ، از
اروپا وسیع تر و مخصوصاً پر جمعیت تر
است . کشوریست که اختلافات یسا
تنوع های همیشگی را در بر دارد ، سا
فعلاً فقط از قسمتی که جمهوری هند را
تشکیل داده بحث خواهیم کرد ، اما
از قسمتهای شرقی و غربی که از هند
جدا شده و نام پاکستان را بخود گرفته
است فعلاً بحثی بمیان نمی آوریم .
آب و هوای هند نیز خیلی متفاوت
و متنوع است ، قسمت جنوبی شبه جزیره
دکن دارای آب و هوایی تقریباً مشابه
استواست ، هر چه بطرف شمال برویم
از منطقه حاره عبور می کنیم و سپس
به منطقه معتدله می رسیم و در هیمالیا
منطقه مشابه آلپ وجود دارد و در آنجا
مرتفع ترین قله های جهان قرار
دارد .

منابع خاک

خاک هند حاصلخیز نیست. سالیان
در از این خاکها بوسیله جمعیتی که دائماً
در حال تزیید بوده اند زراعت شده است،
بدون اینکه بوسیله کود دادن لازم و

ضروری حاصلخیزی زمین را مجدداً به
او پس بدهند - بعد اعلت آنرا بحث
خواهیم کرد - استفاده کردن غلط از زمین
بمناسبت عقائد اجتماعی میگردد نیز به
آن اضافه میشود .

مشکلات زراعت (که در حقیقت
خطری را تشکیل می دهد) مخصوصاً
مربوط به دوام نداشتن یا منظم نبودن
باران است، در مدتی از سال بی آبی مطلق
حکفرماست، پس از آن باد موسمی از
سوی رودخانه شروع میشود ، و در
حقیقت همه چیز تا بمی از این باد توأم
با باران است، همین وضع محصول سال
را تعیین می کند که آیا وضع مساعد
خواهد بود یا بد . از طرف دیگر بارانی
که با این باد سر از زیر می شود سهل مانند
است بنوعی که فقط در عرض چند روز
حالت بی آبی مطلق بحالت سیل زدگی
تبدیل می شود ، اینگونه باران های
سیل آسا در نواحی فاقد درخت یک
عامل سائیده شدن زمین و کاهش خاک
قابل زراعت می گردد .

در جنوب هند جنگل های

باشکوهی وجود دارد که حفظ و نگاهداری
آنها مطلقاً اجتناب ناپذیر است زیرا
رفاه تمام نواحی دژه کتک وابسته
به این جنگل های شمال است . اما
همینکه بجنوب هند یعنی شبه جزیره
دکن برسیم بایک ناحیه بایر بی حاصل
و اندوهناک مواجه می شویم . در آن
نواحی محصول خیلی بی برکت آنهم
تنها بوسیله ایجاد منابع آب امکان
پذیر است .

این منابع آب را فعلاً در نواحی
میسور بوسیله ساختن سد بوجود می آورند،
اما کندن چاه های آرتزین و یا ساختن
منابع و گودالهایی که آب باران را
ذخیره میکنند مرجح است ، بنوعی
که یک رشته تاسیسات آبیاری کوچک
در تمام آن ناحیه پخش شده باشد .
بمکن چین که در آنجا قشر خاک
نرم ناشی از رسوبات معروف وجود
دارد و زمین را بطور استثنائی حاصلخیز
می کند خاک هند خیلی حاصلخیز نیست،
در عوض هند منابع معدنی معتنا بیی دارد
و بنظر میرسد از لحاظ مواد معدنی بهتر

از چین است ، همین مسئله اجازه میدهد
بتوان در اغلب جاهای هند صنایع
مهم بوجود آورد .

در صورتی که در دره های سر اشیب
هیمالیا از انرژی آبهای جاری
استفاده شود ، در این صورت هند
دارای ذخیره بزرگی از انرژی
الکتریکی خواهد بود ، از این گذشته
هند مجموعه ای از مواد معدنی را داراست
از قبیل میکا، بوکسیت ، از این گذشته
دومین کشور جهان از لحاظ فلز، منگنز
است و از لحاظ منابع مواد معدنی آهن
که در ایالت بیهارانت وجود دارد هم
از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت ،
اولین کشور جهان است .

نقصان منبع انرژی

آنچه هند در درجه اول فاقد آنست
خصوصاً عبارت از منبع انرژی است .
پس از قطع رابطه با برهمنی دیگر منبع
نفت ندارد و احتیاجات خود را باید از
خارج وارد کند ، و مقدار کمی ذغال از
معدن جر Dgralau استخراج میشود



بکرن هندی در حال آرایش
ایکی از صنایع دستی

بیشتر از ۶۵٪ در صد نیست ، به نوعی که مقدار غذای قابل دسترس برای جمعیت سال بسال کمتر می شود. نتیجه حاصله يك بدبختی مخوفی است. در حالیکه امریکا با ۲۰۰۰ روپیه سالیانه از لحاظ هایدی متوسط فردی در رأس کلیه کشور های جهان است هایدی متوسط افراد هندی فقط ۱۵۰ روپیه سالیانه است. يك استاد دانشگاه هند تقریباً سه لیره انگلیسی در هفته حقوق دریافت می کند يك رئیس مدرسه ۱۰ شیلینگ در هفته و يك کارگر زراعتی ۱/۱ شیلینگ در هفته و يك کارگر ساده صنعتی ۲ شیلینگ و يك کارگر ماهر ۳ شیلینگ در هفته دریافت میکند .

از ۳۸۹ میلیون جمعیت هند فقط ۸۰۰/۰۰۰ نفر بیشتر از آن حداقل عایدی دارند که مشمول قانون مالیات بر درآمد کردند ، دوسوم مالیات مستقیم فقط از طرف ۵۰۰۰ نفر تأدیه می شود ، که عده ای از آنها خیلی ثروتمند هستند. ثروت فوق العاده بعضی از مهاراجه ها بنظر هنگفت می آید ، اما واقعتاً از قرار ذیل است : فقط ۵۰۰۰ نفر از ۳۸۹ میلیون جمعیت هند يك عایدی قابل مقایسه با عایدی يك فرد از طبقه متوسط اروپائی دارند ، اما در مقابل چند صد نفری دارای ثروت عظیمی هستند .

بنابر این مالیات مستقیم يك عایدات مهمی برای دولت تهیه نمی کند ، در حقیقت مالیات های غیر مستقیم است که قسمت اساسی منابع بودجه ای را تهیه میکنند . بیمه اجتماعی وجود ندارد. وضع دهقانان و کارگران وحشتناک است. وضع آنها خرابتر از وضع طبقات مشابه در آستانه انقلاب صنعتی اروپاست . آنچه را که « شانس زندگی موالید » می نامند از این قرار است : برای بریطانیهای کبیر ۵۵ سال برای مردان و ۵۹ سال برای زنان ، در هند ۲۶ سال برای مردان و ۲۶/۵ برای زنان ، این مسئله بیشتر مربوط به مرگ و میر بچه ها و همچنین مربوط به مرگ زودرس مادران خیلی جوانست که خیلی زود ازدواج میکنند . آنچه که زنده است اینست که باروری زاد ولد خیلی بالا نیست ، این باروری در حال حاضر پائین تر از باروری زاد و ولد اروپاست .

اضافه جمعیت معادل ۶۰ درصد داشته و از آن ژاپون ۱۶۳ درصد بوده . این موضوع از آنجا ناشی است که جمعیت هند مدت زیادی را کد بوده است و شروع ازدیاد جمعیت در زمان قاره پیش آمده است ، از سال ۱۸۹۱ تا ۱۹۰۱ ازدیاد جمعیت ۱/۶ در صد بوده و از ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۱ مقدار ۶/۲ درصد و از ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۱ مقدار ۱/۲ درصد ، اما از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۱ به میزان ۱۰/۶ درصد و از ۱۹۳۱ تا ۱۹۴۱ ازدیاد جمعیت به ۱۵ درصد رسیده است ، بنظر می رسد که از ۱۹۴۱ تا ۱۹۵۱ که هنوز میزان دقیق آن در دست نیست رقم ازدیاد جمعیت در حدود همان ۱۵ در صد تثبیت شده باشد .

سطح زندگی اسفناك و مرگ و میر

میزان ازدیاد نفوس در ربع قرن گذشته بطور یقین اقلاً از يك تا ۱/۵ درصد است در حالیکه ازدیاد محصول

استفاده از نیروی آب جاری بعمل آمده است. در انتظار بهبود وضع باید انرژی را مشکل ذغال و نفت وارد کنند و باین مناسبت به يك مشکل دیگر مواجه می شوند: هند باستثنای کلکته و بمبئی بناوری که در تمام مدت سال قابل استفاده باشد ندارد.

ازدیاد جمعیت

مسئله ازدیاد جمعیت یکی از مسائل مشکلی است که گاهی می تواند انسان را یکی دچار آس و نومیدی کند. در ۱۹۴۱ جمعیت هند معادل ۳۸۹ میلیون بود و این جمعیت در مساحتی بیش از خاک اروپا زندگی میکردند. این جمعیت که يك پنجم جمعیت جهان است، از سال ۱۹۲۱ باینطرف با سرعت در حال ازدیاد است. مسئله قابل توجه اینست که اگر مدت نسبتاً زیادی را در نظر بگیریم، مثلاً از سال ۱۸۹۱ تا ۱۹۴۱، ازدیاد جمعیت بیشتر از ۳۹ درصد نبوده، در صورتیکه اروپا در دوران ۵۰ ساله مشابه صنعتی شدنش

(که جنس آن بد است) درسی سال پیش من از آنجا دیدن کردم و از قرار معلوم تا حالا بهبود زیادی در وضع آنجا پیدا نشده است. در آن زمان روشهای کار و برائط بیمه و بهداشت حزن آور بود، جنس ذغال خوب نیست و رگ های معدن ذغال بزرگ و پهن نیستند و مخارج استخراج زیاد و قابل ملاحظه است ، باید درفته رفته بیشتر از پیش در عمق فرو رفت تا رگ های بیشتر از پیش بازیگتر پیدا کرد ، در حال حاضر هند فقط ۷ درصد احتیاجات خود را از لحاظ ذغال در داخله تهیه می کند .

بنابر این این کشور به مناسبت مواد اولیه اش امکانات بزرگی دارد، اما فعلاً از رشد و توسعه آن به مناسبت نقصان منابع انرژی جلو گیری شده است ، و در حقیقت هند فاقد نفت و ذغال کافی است .

در نواحی شمال هیمالیا امکانهائی برای الکتریکی کردن وجود دارد و خواهیم دید که ماسه بزرگی برای



زنی از ساکنان شمال هند

دهند برای هر خانواده بطور متوسط ۵ فرزند وجود دارد، در بریتانیای کبیر برای هر خانواده ۲ فرزند وجود دارد، اما اگر در بریتانیا نیز مانند هند زنان در ۱۵ سالگی ازدواج کنند برای هر خانواده ۵/۵ نفر فرزند بوجود می‌آید. بنا بر این باروری زاد و ولد در هند مربوط به اینست که ازدواج زودتر از موقع بعمل می‌آید. این مسئله از طرف دیگر مربوط به رقم کوچک زنان عصب است. واضح است وقتیکه در ۱۵ سالگی ازدواج میکنند در روی مجموع زنان که از یک سالگی تا موقع مرگ در نظر بگیریم عدد زنان عصب کم خواهد بود، در هند ۵۰ درصد زنان شوهر دارند در حالیکه در بریتانیا ۴۱ درصد آنها ازدواج کرده‌اند.

این ازدیاد باروری را یک عادت دیگر هندی جبران میکند یعنی آن عادت مقدار زیاد و ولد را کم میکند. در هند ۲۶ میلیون زن بیوه وجود دارد، یعنی ۱۵٪ تمام جمعیت هند در حالی که در اروپا این رقم ۷٪ است، زیرا در اروپا اغلب زنان بیوه از نو ازدواج میکنند، در حالیکه در هند هیچکدام آنها دیگر شوهر نمیکنند.

منطبق شدن هند با مفاهیم نوین زندگی بی شک موجب خواهد شد که سن ازدواج دختران بالا برود و اینهم بنوبه خود تا حدودی باروری را پائین می‌آورد، اما از طرف دیگر بیروی از اصول نوین تسجد موجب می‌شود که زنان بیوه بتوانند شوهر کنند و آن نیز موجب بالا رفتن باروری می‌گردد. بنا بر این عوامل تغییرات که میتوان پیش بینی کرد از دو جهت مختلف در موجب خواهد شد که ما نتوانیم بدانیم که در ده سال آینده کدام عامل بر دیگری برتری خواهد داشت، آیا بمناسبت دوباره ازدواج کردن زنان بیوه شده زاد و ولد بیشتر خواهد شد و یا به مناسبت بالا رفتن سن ازدواج دختران که هنوز بجهت مسترد رقم مذکور بالا خواهد رفت. آنچه که محتمل است اینست که هر نوع بهبود یافتن وضعیت موجب کم شدن مرگ و میر خواهد شد، هم مرگ زنان بچه‌ها کم می‌شود و هم تلفات نرسیده خود را اینگونه پیدا خواهد کرد؛ زنان که به بیست سالگی میرسند

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تقسیم شدن سنین مختلف برای مشاغل

این جمعیت بر حسب سن چگونه تقسیم و یا توزیع شده است؟ جمعیتی که بین سن ۱۵ تا چهل ساله می‌باشد و این عدد در هند جمعیت مولده تلقی می‌شوند ۴۱ درصد مجموع جمعیت را تشکیل می‌دهند و مقدار کمتر از ۱۵ ساله ۳۸ درصد است. عدد بزرگ سالان که در حقیقت تولید کننده هستند غیر کافی است یعنی در مقابل ۱۰۰ نفر تولید کننده ۱۲۸ نفر مصرف کننده وجود دارد.

از طرف دیگر اتلاف مواد غذایی معتدلی را به ثبوت رسانده‌اند، در حقیقت مرگ و میر گروه جمعیتی که پائین تر از ۱۵ سال دارند ۳۰ درصد است، و تلفات گروه سکنه‌ای که بین ۱۵ تا

معابر است و هم قیمت وسائل جلوگیری از باردار شدن برای اکثریت بزرگ دهقانان و کارگران هندی گران است. مساعی برای ازدیاد مواد زراعتی هر چه باشد، در حال حاضر از لحاظ سرعت بزحمت کمی بیشتر از نصف ازدیاد جمعیت است، نتیجه آن اینست که سطح زندگی رفته رفته پائین ترمی آید، شرایط اقتصادی اجازه نخواهد داد که حتی این نسبت سرعت نیز حفظ شود، زیرا ضرورت غذایی، بخصوص در سال‌هایی که بارهای موسمی و باران نامساعد خواهد بود، خطر وارد کردن مواد غذایی را دربر خواهد داشت و این مانع از جریان‌های رشد اقتصادی خواهد شد و امکانات مربوط به وقف کردن منابع را به صنعتی کردن کشور که بمناسبت شرایط طبیعی ضرورت مطلق می‌باشد، کم خواهد کرد.

بیشترشان پس از ازدواج در حال حیات باقی خواهند ماند (نسبت به دختران ۱۵ ساله که ازدواج می‌کردند و بمناسبت زایمان زودرس تلفات زیاد می‌دادند) و این یک عامل مساعد برای ازدیاد زاد و ولد خواهد شد. بنا بر این در آینده باید منتظر کم شدن مرگ و میر بود، و اضافه شدن نوزادان، زیرا از طرفی مرگ و میر مادران کم می‌شود و عدد زنانی که در سن زائیدن طبیعی نوزادان هستند ازدیاد پیدا میکند.

خواهیم دید که حکومت فعلی هند مشکل بودن این مسئله را دریافته است و نسبت به موضوع نشو و نما و توسیانیسم موقعیت خاص گرفته و سعی و کوششی برای نشر و توزیع و ازدیاد وسائل جلوگیری از بارداری زنان بعمل آورده، اما این سعی و کوشش هم با رسوم و آداب اجدادی



نونهالان امروز و نسلهای فردای هند روزگاری درخشان و روپاشکوه تر از نسل امروزین دارند

۴۰ سال هستند ۱۲ درصد میباشد ، بنوعی که خیلی ها در مدت زندگی کوتاهشان همواره مصرف کنند هستند و موقعیت اینرا پیدا نمیکنند که بجنوبی از انحاء کومکی به تولید کنند، اگر اینطور تخمین بزنیم که قیمت یک جوان بطور تقریبی نصف آنچه چیزی است که قیمت مخارج شخص بزرگ است، مرگ جوانان بیش از ۱۵ سالگی منجر به تلف شدن ۲۵ درصد عایدات ملی می شود، قریب یک چهارم عایدات ملی صرف نگاهداری و پرورش جوانانی می شود که پیش از رسیدن سن تولیدی می میرند .

علاوه بر این آنها تیکه از سن ۱۵ می گذرند یک سوم آنها در سن جوانی می میرند، نتیجه این می شود از ۴۵ سال زندگی که از لحاظ ثنوری باید میدان فعالیت و تولید باشد، فقط سی نفری در خط جبهه یعنی در فعالیت واقعی وارد می شوند، این مرگ و میر مخصوصاً گروه زنان را در بر می گیرد در حالیکه از ۱۰۰۰ نفر دختر ۵۶۸ نفر به سن

۱۵ سالگی فقط ۲۶۴ نفر به سن ۴۵ سالگی می رسند .

علاوه بر این آنها تیکه به سنین می رسند که بتوانند تولید کنند یک ترتیب خیلی ضعیف را دریافت میکنند

آموزش و پرورش

مسئله تعلیمات خود به تنهایی تقسیم و توزیع خاص جمعیت بخصوص مواجه با مشکلات می شود حتی حد اقل سعی و کوشش برای آموزش و پرورش در آنجا مخارج خیلی سنگین تر از آنچه در نزد ما لازم است تقاضا دارد، و در عین حال بازده (راندمان) نیز مطابق انتظار نیست . باین ترتیب در سال ۱۹۴۱ از هر یک هزار نفر هندی فقط ۱۲۱ نفرشان (۹۲ نفر مرد در مقابل ۲۹ نفر زن) قادر بوده اند که با یکی از ۲۲۲ زبان مختلف که در هند معمول است بخوانند و بنویسند . ترقی آموزش و پرورش در هند علاوه بر سایر مشکلات با مشکلات یا مشکل تنوع زبانها بر می خورد. باینکه از این زبانها که هندی باشد صد میلیون نفر حرف

میزنند، این زبان از لحاظ فرضی (تئوریک) زبان رسمی هند گردیده است ، اما بکار بردن زبان هندی نیز مواجه با مقاومتی می شود .

تنوع زبانها و نتایج آن

در جنوب شبه جزیره (دکن) Dec can تهلک Le Telegu، ترنیل Le Ternil مالی Ye Maleyslein زبانهای را بکار می برند که مناسب خیلی جزئی زبانهای دارد که در شمال بکار می رود و مانند زبان هندی از سانسکریت منشعب شده است . حتی در خود شمال در خود زبان هندی زبان اردو و بنگالی و کجراتی و ماهراتی وجود دارد . زیباترین ادبیات هندی بازبانهای بنگالی و ماهراتی منتشر گردیده است می توان از آن استنتاج کرد که هر چند قسمت کوچکی از جمعیت با این زبانها حرف میزنند معذک آنها اقلا دارای درخشندگی فرهنگی مساوی با هندی هستند. در حال حاضر در همه جا کمی تعصب یا ناسیونالیسم زبان حکمفرما می کند، و تمایلاتی وجود دارد که سرحدات

ناحیه ای متناسب بازبانهای مختلف بوجود آید . درحقیقت هند تا حدودی مشاهه اروپاست ، و عبارت از یک رشت گروه بندیی و فرهنگی متنوع است ، همانطور که خواهیم دید ، پس از استقلال برفته رفته بیشتر به اختلاف هایشان و تنوع شان آگاه می شوند ، و همین عوامل تمایل به عدم جامعیت (و یا تمایل به تجزیه طلبی) را تقویت میکند طی سالهای اخیر سکنه کشاورز بیشتر شده است ، یعنی از سال ۱۸۹۱ تا ۶۱ درصد بوده در سال ۱۹۲۱ به ۲۱ درصد رسیده . ۲۹ درصد دیگر فعالیت هائی از نوع متمایز از کشاورزی داشته اند باین ترتیب : ده درصد در تولید ، ۱۰ درصد در تجارت ، ۱/۷ درصد در حمل و نقل و ۱۲ درصد در خدمات مختلف که یا مربوط به امور خانوادگی و یا خصوصی بوده . آن ده درصد از مردمی که برای تولید غیر کشاورزی اختصاص یافته اند عبارت از مجموع بیشه و ران و کارگران هستند، مابین سالهای ۱۹۱۱ تا ۱۹۳۱ از این گروه رویهم رفته ۲ میلیون کارگر کسر گردیده است ، چون بطور متوسط یک نفر کارگر صنعتی را بمنزله سه نفر بحساب می آورند بنابراین می توان گفت که مقدار ۵ میلیون در مدت این بیست سال رو بکشاورزی آورده اند. این وضع یک مسئله مشکلی را مطرح می کند : با وجود شروع شدن رشد و توسعه اقتصادی از دید کارگران در بخشها ضعیف تر از نقصان عدم بیشه و ران است در صنایع مدرن بزرگ ۲ میلیون نفر در امروز بیشتر از سه میلیون نفر است و جمعیت کل هند که ۳۸۹ میلیون است اگر این اعداد را خوب بخاطر بسپاریم معلوم می شود که اگر از دید جمعیت با سرعت فعلی که ۱٫۲۵ درصد در سال است دوام داشته باشد ممکن نیست که آنهمه جمعیت تازه را در صنعت که تازه بوجود خواهد آمد جذب و جلب کرد . در جریان سالهای اخیر از ۱۹۳۷ تا ۱۹۵۱ عددی که تغییرات تولید صنعتی را نشان میدهد ۱۵ درصد اضافه شده ، اما رقم مربوط بتولید کشاورزی ۵ درصد نقصان پیدا کرده، بنابراین تولید ۱۳ درصد اضافه شده، معنی این مطالعات اینست که عایدی کلی در مجموع این ازدیادی را نشان میدهد اما در صورت تقسیم به سرانه ازدیاد سفر می شود و حتی یک کسر شدن منفی را نیز نشان می دهد.